

### یادداشت شفاهی

مهدی مطهرنیا رفتار آمریکا، رژیم صهیونیستی

و آژانس انرژی اتمی را تحلیل کرد

## اسناد آشکار ندارند به جاسوسی روی آورده‌اند

مهدی مطهرنیا، تحلیلگر مسائل بین‌الملل و آینده‌پژوه سیاسی در یادداشتی شفاهی که دراختیار «فرهیختگان» قرار داد به بررسی رفتارهای ایالات متحده پس از اعزام نفتکش‌های ایرانی به ونزوئلا و آخرین تلاش‌های آمریکا برای فشار بر ایران در قالب تحریم‌ها پرداخت. مشروح این یاداشت در ادامه می‌آید.
آمریکا از زمان پایان دوره اوباما به سمت دکترین محدودسازی همکاری‌های بین‌المللی با ایران و محاصره منطقه‌ای ایران است، اگرچه برجام با ایران امضا شد اما تفسیر موسع از برجام در تهران صورت پذیرفت و در واشنگتن تفسیر محدودتری از برجام انجام شد، لذا محدودسازی همکاری بین‌المللی با ایران و محاصره منطقه‌ای تهران در اواخر دوران اوباما آرام‌آرام چهره نشان داد.

**تغییر دکترین آمریکا به «تبدیل ایران به دشمن امنیت بین‌المللی» در زمان ترامپ**

با روی کار آمدن ترامپ این دکترین بیشتر مورد توجه قرار گرفت، از طرف دیگر فشارهای ناشی از تحریم‌های فلج‌کننده که به فشار حداکثری در دوران ترامپ منجر شد، درنهایت در سال ۲۰۱۸ دکترین آمریکا را از سمت «محدودسازی همکاری‌های بین‌المللی با ایران و محاصره منطقه‌ای تهران» به‌سوی دکترین «تبدیل چالش ایران به دشمن امنیت بین‌المللی» ازسوی آمریکا تبدیل کرد.

از آنجا به بعد تحریم‌های حداکثری آمریکا وارد میدان شد، به‌گونه‌ای که فروش نفت ایران به پایین‌ترین حد ممکن رسید؛ اکنون نیز آمریکا به‌رغم نشان دادن چرغ سبز ازجمله موافقت با تبادل زندانیان ایرانی و آمریکایی، در پی تحریم بیشتر ایران است و تحریم‌های حداکثری تا زمانی که براساس درخواست‌های ایالات متحده آمریکا ایران پای میز مذاکره بنشینند، ادامه خواهد یافت.

اکنون در وضعیت فعلی آمریکا گام‌به‌گام این مساله را دنبال می‌کند و در پی ارائه پیش‌نویس قطعنامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد برای محدودسازی دوباره فعالیت‌های ایران در خرید تسلیحات است و از طرف دیگر سازمان‌ها و نهادهای ایرانی را بیش از گذشته تحریم می‌کند.

**پیش‌بینی رفتار اروپا درقبال ایران در شورای حکام**

درباره رویکرد اروپا درقبال ایران معتقدم اروپا همکاری بیشتری را در زمان دموکرات‌ها با واشنگتن با ایران دنبال می‌کرد اما با روی کار آمدن جمهوری خواهان و ترامپ و ادبیات مغرورانه و خودپسندانه ترامپی درمقابل کشورهای اروپایی، این وحدت‌عمل بین اروپا و آمریکا به ظاهر کم‌رنگ شده است.

ازسوی دیگر در عمل سود ارتباط با آمریکا برای اروپا بیش از حمایت از ایران در برابر آمریکا است و در بزنگاه‌ها و پیچ‌های تاریخی این اتحادیه اروپا است که حتی از آمریکا شدیدتر و غلیظ‌تر همه‌جمله خود را به طرف ایران نشانه می‌رود، لذا آمریکا تلاش دارد با فشار آوردن به اروپا درباره تحریم‌های نفتی ایران و دیگر تحریم‌های احتمالی، زمینه را برای همکاری بیشتر اروپا و آمریکا درقبال ایران فراهم کند.

مزید بر آن روابط ایران با اتحادیه اروپا هم همواره یک روابط لغزنده و پرتشن بوده است، چراکه گاه به فرانسه، گاه به آلمان و گاهی نیز به انگلیس نزدیک شده است ولی درمجموع هیچ‌گاه نتوانسته از رابطه استراتژیک با پایتباط با برجام شگرتی اروپایی برخوردار باشد. اما درباره موضع احتمالی شورای حکام علیه ایران و واکنش ایران باید گفت نقطه‌جوش ایران خروج از برجام و اعلام این است که ایران به‌دنبال آزادسازی حرکت خود برای دستیابی به انرژی هسته‌ای است.

البته این موضوع همان چیزی است که ایالات متحده آمریکا به‌دنبال آن است، چراکه در همین زمان تحریم‌های آمریکا علیه ایران بیش از گذشته در حالت اجماع میان اروپا و آمریکا قرار می‌گیرد و حتی روس‌ها و چینی‌ها احتمال عقب‌نشینی در این زمینه را تجربه خواهند کرد، همان‌گونه که در ارتباط با برجام شاهد بودیم.

قبل از پذیرفتن برجام و آنچه تحت‌عنوان نرمش قهرمانانه دکگذاری شد، ما شاهد ایجاد فضای معنادار در زمینه‌هایی هستیم که ما را به سمت‌وسوی برجام سوق داد، در آن زمان هم ایران مدعی بود کشورهای اروپایی از ایران حمایت خواهند کرد و در عین‌حال هم به کشورهای غیرمتعهد بسیار امید داشت و هم به یکن و مسکو؛ اما در عمل دیدیم که آنها همکاری خود را با ایران همان اندازه عملیاتی کردند که منافع ملی آنها اقتضا می‌کرد و اگر منافع ملی آنها تحت فشار ایالات متحده آمریکا قرار می‌گرفت که گرفت، منافع‌شان را ترجیح می‌دهند.

به هر تقدیر ایران تلاش داشته است در عین حال که همواره گفته از برجام خارج می‌شوم و مهلت‌های ۶۰ روزه‌ای را مشخص کرده، اکنون بالغ بر ۱۲۰ روز از مهلت ۶۰ روزه آخری که گام پنجم خروج از برجام را برداشت، می‌گذرد و ایران اساسا سخن از خروج پلکانی از برجام را کنار گذاشته است، درحالی که برجام اثر عملیاتی چندانی ندارد.

با وجوداین، ایران به‌خوبی می‌داند اگر از برجام اعلام خروج داشته باشد که این احتمال نیز در مجلس یازدهم می‌رود، زمینه‌های ایجاد اجماع بیشتر میان اروپا و آمریکا علیه ایران فراهم خواهد شد. درباره اسناد و مدارک مورد بررسی در آژانس معتقدم بسیاری از اسنادی که در حوزه‌های مسائل اتمی برای کشورها به دست می‌آید از طریق اسناد جاسوسی است، چراکه اینها اسناد آشکار ندارند و فعالیت‌های بسیاری از کشورها در باب انرژی هسته‌ای همواره جزء سری‌ترین حرکت‌های دولت‌ها و کشورها محسوب شده است.

ادعاهایی که توسط رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای هم‌پیمان آمریکا در جهان مطرح می‌شود، اساسا ازسوی سازمان‌های بین‌المللی به‌دلیل پیوستگی‌ای که این سازمان‌ها به اصحاب قدرت دارند، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، مزید بر اینکه شورای حکام با ریاستی رویه‌رو است که نزدیک به آمریکایی‌ها و دارای نوع تفکر آمریکایی در باب پرونده هسته‌ای ایران است.

# سیاست

**آمریکا در آستانه پنجمین سالگرد برجام سعی می‌کند پرونده هسته‌ای ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بازگشایی کند**

# بازگشت پروژه فشار با مهره آژانس



سنگین اراک موفقیت‌های شایانی به دست آمده بود. اینها علاوهبر این است که بارها دانشمندان ایرانی اعلام کرده‌اند امکان پایان بازطراحی رآکتور جدید اراک را بدون همکاری طرف خارجی دارندومی‌توانند آن را به‌سرعت به‌پایان برسانند. در این خصوص هم باید نتیجه‌گرفت بیشتر یک اقدام رسانه‌ای و تبلیغاتی صورت گرفته تا ایجاد مانع موثر در مسیر توانمندی هسته‌ای ایران.

**اول؛ تحریم اقتصادی**

بی‌راه نیست که بگوییم آمریکایی‌ها ایسن روزها با ذره‌بین به‌دنبال موردی می‌گردند که تحریم نشانده باشد و بتوانند با تحریم آن بگویند همچنان امکان تنگ‌تر کردن حلقه محدودیت‌های ایران را دارند. روز دوشنبه خبر تحریم ۱۲۵ کشتی ایرانی از جانب آمریکایی‌ها منتشر شد، تحریمی تکراری که اساسا فاقد هرگونه ارزش اقتصادی و حتی حقوقی برای آمریکاست.

البته قابل درک است که ایالات متحده بعد از اقدام بزرگ ایران در به حرکت درآوردن پنج کشتی و ارسال بنزین به ونزوئلا آن هم به‌صورت رسمی چه ضربه سنگین سیاسی دریافت کرده است و حالا به‌دنبال راهی می‌گردد تا به این ضربه پاسخ دهد و بگوید همچنان ابزارهای او موثر است و امکان تشدید تحریم‌ها وجود دارد.

اما چرا این تحریم‌های جدید فاقد حداقلی از ارزش برای کاخ سفید است؟ ایران از همان روزی که دونالد ترامپ برجام را کنار گذاشت تحت سسه نوع تحریم خاص قرار گرفته که عملا امکان‌های زیادی را برای تبادل تجاری از مسیر دریا باقی نگذاشت. اولاً تحریم‌های مالی بسته بودن سوئیفت و تحریم بانک مرکزی اجازه تبادل تجاری با روش‌های معمول را نمی‌دهد، ثانیاً تحریم‌های بیمه‌ای باعث شده شرکت‌های بزرگ بین‌المللی از ارائه بیمه‌نامه به کشتی‌هایی که به مقصد یا از مبدأ ایران حرکت می‌کنند خودداری کنند، ثالثاً اصل تحریم‌های کشتیرانی باعث این شده که بسیاری از مجموعه‌های حمل‌ونقل از همکاری با ایران اجتناب کنند.

اینها دلایل کافی برای این است که بگوییم تحریم‌های جدید چیز اضافه و جدیدی نیستند به‌خاطر اینکه اگر قرار بود کشورهای با ایران همکاری نکنند همان سه مورد قبلی مانع کافی برای این همکاری به‌وجود آورده بود و حالا ذکر تک تک اسامی کشتی‌ها اتفاق جدیدی را سبب نخواهد شد.

از این‌رو شاید حرف دقیقی باشد که بگوییم آمریکایی‌ها دیگر چیزی برای تحریم و استفاده به‌عنوان ابزاری موثر در افزایش فشار بر ایران ندارند و صرفاً تلاش می‌کنند از چنین اقدام‌هایی به‌عنوان یک ابزار رسانه‌ای برای ایجاد عملیات روانی استفاده کنند.

**دوم؛ تحریم صنعت هسته‌ای**

اگر خاطرتان باشد بعد از آنکه ترامپ از برجام خارج شد در عین حالی که تمامی تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را بازگرداند اما به‌دلیل فشاری که‌از جانب کشورهای عضو توافق هسته‌ای می‌دید از برگرداندن تمامی تحریم‌های صنعت هسته‌ای خودداری کرد، تا بخشی از برجام بتواند به فعالیت خود ادامه دهد؛ همان بخشی که ذیل آن چینی‌ها یا انگلیسی‌ها می‌توانستند با ایران برای کارهایی چون بازطراحی رآکتور اراک همکاری کنند؛ هرچند بعداً مانهی برای خریدوفروش آب سنگین و اورانیوم غنی‌شده ایران ازسوی آمریکا ایجاد شد اما همچنان بخش‌هایی از تعلیق تحریم‌ها در این حوزه انجام می‌شد و این اتفاق تا همین روزهای اخیر هم ادامه داشت. چند روز پیش اما مایک پمپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده اعلام کرد ظرف ۶۰ روز آینده این تمدید نیز متوقف خواهد شد. از این‌رو باید گفت با چنین کاری دیگر تحریم ملغی‌شده‌ای باقی نمانده که تعلیق آن تمدید شود. البته نکته‌مهم دراین‌باره این است که خودآمریکایی‌ها هم می‌دانند تحریم صنعت هسته‌ای ایران اساسا نه امروز که پیش از برجام هم اثر ویژه‌ای بر حرکت ایران نداشته و نخواهد داشت، چراکه صنعت هسته‌ای در ایران بومی است و به‌هیچ‌وجه به روابط خارجی و مرادوات علمی و تکنولوژیکی وابسته نیست، چنانکه درخصوص تولید سانتریفیوژهای پیشرفته و حتی رآکتور آب

خواهد شد و علاوهبر این امکان آنها برای اخذ منافع در آسیا را کاهش می‌دهد از این‌رو به‌صورت جدی از ایران حمایت کرده‌اند و می‌گویند ایالات متحده در هیچ حالتی نمی‌تواند تحریم‌های ایران را بازگرداند. بر همین اساس آمریکایی‌ها به‌صراحت افتاده‌اند تا از هر ابزاری برای رسیدن به هدف استفاده کنند. اولین امید آنها این بود که به‌نوعی از راهی که دو سال است طی می‌کنند، برگردند و بگویند ما هم جزء برجام هستیم تا بتوانند از مکانیسم ماشه استفاده کنند؛ که البته با مقاومت ایران، روسیه، چین و حتی اروپایی‌ها در این مسیر ناموفق بوده‌اند و لذا به‌سراغ مسیر دوم رفتند تا بتوانند اروپایی‌ها را برای استفاده از مکانیسم ماشه راضی کنند؛ البته تا این لحظه سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه قانع نشده‌اند که می‌توانند مکانیسم ماشه را به نتیجه برسانند. مسیر سوم که آن هم آنچنان که باید، شانس موفقیت بالایی ندارد استفاده از حربه جمع‌بندی رئیس دوره‌ای شورای امنیت است تا حداقل فرآیند تعلیق تحریم‌ها برای مدتی به تعویق بیفتد.

**چهارم؛ فشار از طریق آژانس**

شاید مهم‌ترین بستری که آمریکا روی آن حساب کرده تا پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری در نوامبر، ایران را به‌نوعی تحت فشار قرار دهد تا تمام خواسته‌های کاخ سفید را بپذیرد، کم‌کم گرفتن از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. در

## مولایی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

## اروپا برای امنیت خودش می‌خواهد برجام را حفظ کند

یوسف مولایی، کارشناس حقوق بین‌الملل و مدیر سابق گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان»، با اشاره به تحریم‌های جدید آمریکا علیه کشورمان و تحریم ۱۲۵ کشتی و نفتکش مرتبط با جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت: «تنها مسیری که آمریکا می‌تواند فشار بیآورد، همین تحریم‌هاست و از این‌رو آنها درحد توان و امکانات خود این کار را انجام می‌دهند.»

مولایی با بیان اینکه چنانچه تحریم‌ها تکراری هم شود که البته این‌طور نیست، بازهم آمریکا ایران را از نظر سیاسی و روانی تحت فشار قرار داده است، افزود: «این موضوع یک نوع زورآزمایی بین ایران و آمریکا است تا ایران مسیر خود را تغییر دهد یا به‌قول آمریکایی‌ها رفتارش تغییر کند.»

**اگر آژانس به اسناد جاسوسی استناد کند، ایران می‌تواند شکایت کند**

عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران درباره انتقال پرونده ایران به شسورای حکام و اسناد آژانس به اسناد جاسوسی برای فشار بر ایران تصریح کرد: «این رویه قبلا نیز در آژانس بوده است؛ درواقع کار آژانس رصد و بررسی است تا ببیند ایران از مسیر فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای منحرف شده است یا خیر؛ لذا چنانچه منحرف شده باشد علیه ما قطعنامه صادر و ایران را ادعوت می‌کنند که به مسیر فعالیت صلح‌آمیز بازگردد.»

وی با بیان اینکه اگر ایران به این دستور آژانس تمکین نکند معمولاً پرونده را به شورای امنیت می‌فرستند، درباره امکان حقوقی استناد به اسناد جاسوسی توسط آژانس گفت: «اینکه از چه مسیری اسناد به دست آمده هیچ‌گاه مورد بحث نبوده است اما با وجود این، ایران می‌تواند علیه آژانس یا علیه کسی که این مدارک را دراختیار آژانس قرار داده شکایت کند که البته این موضوع به روابط بین ایران و آژانس ملطمه می‌زند.»

مولایی همچنین تأکید کرد: «ایران می‌تواند سطح همکاری خود را با آژانس کاهش دهد ولی اینکه چون مدارک از راه جاسوسی به دست آمده پس اعتبار نیز ندارد، مورد بحث نیست.»

عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران افزود: «دعوی آژانس به حدود ۲۰۰۳۰ سال می‌رسد و مشکل آنها همیشه این بوده است که شفاف نیست و فعالیت‌های مشکوک دارد، بنابراین باید اعتمادسازی کند؛ برای آژانس همین کافی است که به فعالیت‌های ایران بی‌اعتماد باشد چراکه آنجا دادگاه نیست که درباره اسناد ارزش‌گذاری کند که مدارک از چه مسیری به دست آمده یا اعتبار و اهمیت آن چقدر است.»

وی یادآور شد: «پیش از گزارش اخیر که قدری مشکل داشت، دعوی آژانس با ایران این بوده که برجام رخ داده و از این‌رو گزارش‌های آژانس درباره ایران مثبت بوده است.»
مولایی درباره رفتار احتمالی اروپا در شورای حکام علیه ایران خاطرنشان کرد: «هرکدام از این کشورها منافع مختلفی دارند و اروپا برای امنیت خودش می‌خواهد برجام را تا جایی که ممکن است حفظ کند، درحالی که آمریکا نمی‌خواهد این روند را ادامه دهد بنابراین این دو موضوع مختلف است.»

این کارشناس حقوق بین‌الملل در عین حال گفت: «اروپا و آمریکا در یک چیز توافق دارند، اینکه فعالیت هسته‌ای ایران از مسیر صلح‌آمیز منحرف نشود، بنابراین اروپا هم به‌اندازه آمریکا ایران را تحت فشار قرار می‌دهد که فعالیت ایران شفاف شود و همواره اعتمادسازی کند.»